

یسر ایسم و علوم اجتماعی

تالیف

ماکسینا کلاسر احمدی



انتشارات شاپور خواست

۱۳۹۲

سرشناسه	: کلانتر احمدی، ماکسینا، ۱۳۳۸.
عنوان و نام پدیدآور	: لیبرالیزم و علوم اجتماعی / ماکسینا کلانتر احمدی
مشخصات نشر	: خرم‌آباد: انتشارات شاپورخواست؛ ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۷ ص
شابک	: ISBN: 978- 600- 260- 080- 6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتاب‌نامه [۱۴۷].
موضوع	: آزادی‌خواهی
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ج ۸ ک / JC ۵۷۴
رده‌بندی دیویی	: ۳۲۱ / ۵۱
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۳۱۲۱۱۶۸



انتشارات شاپورخواست

لیبرالیزم و علوم اجتماعی

ماکسینا کلانتر احمدی

انتشارات شاپورخواست خرم‌آباد- همراه ۰۹۱۶۳۹۸۴۰۱۱

چاپ اول ۱۳۹۲، ۱۰۰۰ نسخه، لیتوگرافی و چاپ: طاهر

أمور رایانه‌ای و گرافیکی: سهمیه اسدزاده

طراح جلد: یاسر دلفان

شابک: ۶-۰۸۰-۰۲۶۰-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۶۰۰۰۰ ریال

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	لیبرالیسم و پیامدهای روانی-اجتماعی آن
۱۴	برخی عوامل تأثیرگذار بر شخصیت ناشی از حاکمیت سرمایه
۱۶	اصول لیبرالیسم و تأثیر روانی این اصول با توجه به نظریه‌های علمی
۲۹	لیبرالیسم (فاجعه‌ای به وسعت جهان)
۴۰	ادبیات روان‌شناسی سرمایه‌داری
۴۲	روان‌شناسی انفعال و ادبیات آن
۴۳	لیبرالیسم و پیامدهای روانی، اجتماعی آن
۴۸	برخی عوامل تأثیرگذار بر شخصیت ناشی از حاکمیت سرمایه
۵۰	اصول لیبرالیسم و تأثیر روانی این اصول با توجه به نظریه‌های علمی
۶۳	لیبرالیسم مانعی در فراروی انسان
۷۹	پزشکی و علوم اجتماعی بخشی از نظام سلطه
۸۳	خشونت و پرخاشگری
۸۷	ابزارهای مری و نامریی کنترل بشر
۹۰	هم‌سان‌سازی و انفعال بشر
۱۰۲	فرهنگ خلاق در برابر فرهنگ سلطه
۱۰۳	ابزارهای مری و نامریی کنترل بشر
۱۱۰	دیکتاتوری جهانی و دیکته قواعدش به جهان
۱۲۵	روان‌شناسی لیبرالیسم بر اساس فلسفه مسیحی-یهودی مصلحت‌گرایانه
۱۳۹	کودک روانی
۱۴۵	عوامل تأثیرگذار جهانی بر منش فردی
۱۴۷	کتاب‌نامه

مقدمه

در این کتاب کوشش شده است تا ماهیت کلی و ترکیبی انسان نشان داده شود انسانی که دارای طبیعتی عالی است و هر عاملی که مانع رشد و کمال و رسیدن به تعالی او گردد او را به موجودی در ابعاد کوچک و منفعل و بیمار و مهرهای همسان با سایر مهره‌ها و قابل کنترل و قابل پیش‌بینی و دستکاری تبدیل می‌کند.

نگارنده عامل تجزیه و گسست روانی و پاره‌پاره شدن روان بشر امروز و ماندن او را در سطوح ابتدایی رشد به فلسفه لیبرالیسم و نگرش هستی‌شناسی او و برداشت او از ماهیت انسانی نسبت می‌دهد و تمامی برداشت‌های تجزیه‌ای و بریده‌بریده و ذره‌ای مکاتب روان‌شناسی از انسان را مردود می‌داند و برداشت‌های برده‌گرا و نگرش‌های اتم‌باورانه را تعمیدی می‌داند که نه تنها در مسیر بهره‌کشی از انسان گام برمی‌دارد. انسان‌ها را به مهره‌های همسان و هم‌شکلی تبدیل کرده که امکان کنترل و پیش‌بینی و دستکاری رفتار آن‌ها را عملی سازد. روان‌شناسی تقلیلی و کاهش‌گرا، جامعه‌شناسی، اقتصاد و روان‌پزشکی غرب، بخشی از ابزار سلفه است که ارتباط این نظریه‌ها در راستای پیاده کردن اهداف نظام‌سلطه و عقیم ساختن و نازاکردن انسان‌ها بیان می‌گردد. بحران علوم اجتماعی و ادبیات پنهان و نامریی توطئه‌گران جهانی مطلب جدیدی نیست ولی اکنون پیش از هر زمان دیگر هستی انسان در معرض تهدید است و من آن را فرا تهدید می‌دانم و این‌که هیچ امری در جهان ما تصادفی و اتفاقی نیست، بیماری‌های جسمی و روانی و بحران‌های اجتماعی و اقتصادی، هیچ کدام اتفاقی نیستند و در تحلیل هیچ‌کدام نمی‌توان به علل کوچک و محلی و دست و پاگیر اکتفا کرد. این‌گونه راه‌حل‌ها راه بردن به سراب است در این کتاب سعی شده تا چگونگی تجزیه روانی انسان را در شیوه‌ی زندگی کنونی‌اش از کار تا مصرف و علوم و رسانه که در وندادهای مسموم به جوامع می‌دهد بیان شود و عوامل سبب‌ساز بیماری‌های روانی و جسمی را فراتر از علل معمول بیان شده توسط مکاتب تجزیه‌گرا می‌داند. در بیان مطلب

ناگزیر بودم که عین سخنان فلاسفه و اقتصاددان‌ها و جامعه‌شناسان و روان‌شناسان سرمایه‌داری را بیان کنم، تا خواننده به این امر آگاه شود که چرا آنان با عشق ورزیدن، محبت، شرافت و نیکوکاری مشکل دارند و چرا با توازن، هماهنگی، تناسب، زیبایی‌شناسی و تکامل بشر مشکل دارند.

سود نظام لیبرالی در تجزیه است و همه جا از کوچک‌ترین واحد جامعه یعنی فرد آدمی تا بزرگ‌ترین واحدهای اجتماعی اقدام به تجزیه می‌کند.

ناگفته نماند که سرمایه‌داران خودشان از وحدت و هماهنگی سود می‌برند البته این وحدتی است بسیار شکننده چرا که متشکل از موجودات خودخواهی است که مظهر فلاکت روحی و تنی بودن و ناتوانی هستند باید گفت عشق ورزیدن بالاترین هنر و نبوغ آدمیان است، یعنی عاشق‌انسانی است که به کشف خود نائل آمده و جرأت و شهامت بخشیدن و ایثار کردن را بافته است. این نقطه اوج رشد آدمی، برای ایدئولوژی فردگرای لیبرال و برداشت غلط او از ماهیت انسان بیگانه و غیرقابل باور است، ضمناً به وضوح شاهد این مسأله هستیم که روان‌شناسان تجزیه‌گرا و کاهش‌گرا سخنی از عشق و عشق ورزیدن نمی‌گویند که البته این هم موضوعی تصادفی نیست، عشق ورزیدن هنری است که در تمامیت یافتن و کمال فرد به دست می‌آید و موجودات خودخواه، کوچک، فزون‌طلب و همیشه نیازمند که محصولات سرمایه‌داری‌اند به این اوج دست نمی‌یابند. منش غیرانسانی لیبرالیسم از فلسفه تا عمل با ماهیت انسان مشکل دارد. و فرد هر روز شاهد تجزیه روانی خود است، از آنجا که خودخواهی و حرص و آز امکان تداوم نظام لیبرالی را فراهم می‌کند، افراد هرگز قادر نخواهند بود به سعادت همگانی بیانندیشند آن هم در دام تارهای عنکبوتی.

ما در دنیای بی‌قواره‌ای زندگی می‌کنیم که دچار انواع کاستی‌های فرهنگی، علمی، هنری و فکری است، از مشاغل بدون لذت گرفته تا تلاش‌های بی‌پاداش و بازهی گسترده مصرف و تضادهای درونی و بیرونی و همه‌ی آلاینده‌های ذهنی. آگاهی و دانایی و داشتن تفکر انتقادی و از بالا نگریستن به مسایل و شک کردن به تمامی گزاره‌های علمی از واژ گرفته تا جمله تا نظریه وظیفه ماست و این‌که گزاره‌ها از کجا و چرا و به چه دلیل ارایه شده‌اند؟ (واژه‌ها را بغلتانید تا سمت و سوی آن مشخص شود).

بحث دیگر در مورد توهم آزادی در نظام لیبرالیستی و سلطه تکنولوژی است.